

رومیا کاتالان

نگاهی به موسیقی «فلامنکو» و گروه «جیپسی کینگز»

درهای باز گفت‌وگو

نیما توسلی

■ موسیقی فلامنکو در بین تمامی موسیقی‌های همدریف خود یک استثنا است. دلیل این یک‌بودن در چند ویژگی نهفته است. فلامنکو و پدیدآورندگان آن مرزها و تعاریف این موسیقی را بسیار سیال نگه‌داشته‌اند. سیال به آن معنا که فلامنکو خود را محدود به مجموعه‌ای از قوانین ندانسته و سبک‌های مختلف نوازندگی و خوانندگی را به راحتی و با نوعی تساهل شگفت‌آور درون خود جذب کرده است. روند این جذب‌شدگی صدها سال به‌طول انجامید و اینک مخاطب موسیقی فلامنکو با مجموعه‌ای متنوع و رنگارنگ از نواها و اشکال موسیقایی مواجه است؛ تلفیق زیبای فلامنکو با موسیقی لاتین آمریکای مرکزی و جنوبی یا ترکیب آن با موسیقی شمال آفریقا، مراکش، تونس یا همنوایی با موسیقی جاز آمریکایی؛؛ تمام این همگرایی‌های متنوع نشانگر آزادمنشی و تکررگرایی نهفته در ذهن نوازندگان، رقصندگان و خوانندگان هنر فلامنکو است. اما نباید این نکته را از یاد برد که فلامنکو نیز مانند هرگونه دیگری از موسیقی قوانین مشخص و ساختاری کاملاً منظم و شکل‌یافته دارد که باعث هویت‌بخشی به این هنر بومی و منطقه‌ای شده است. ولی این استحکام باعث نشده تا با نوعی جزم‌اندیشی و گوشه‌نشینی خود را از تعامل با سایر سبک‌ها محروم کند؛ همان جزمیتی که به سرراغ موسیقی ایرانی و سنتی ما آمد. نگاه کنید به عمق نفوذ هنر فلامنکو و آن را مقایسه کنید با موسیقی سنتی ایران. آیا تفاوت‌ها در ماهیت این دو گونه از موسیقی است؟ به هیچ‌وجه. نکته اصلی در بقا و گسترش فلامنکو در جهان آمادگی پذیرش ایده‌های نوین و خلاقیت‌های بی‌پایان در آهنگسازی و اجراست. فلامنکو به‌راستی فرزند و میراث‌دار موسیقی مقامی اندلس اسلامی است؛ تمدنی که در عرض چهارصد و اندی سال توانست معنا و مفهوم دقیق کلمه «وادی» و تحمل آرای دیگران را به اروپا نشان دهد؛ اروپایی که در حال جلال با انحصارطلبی کلیسای کاتولیک بود. فلامنکو از خاک چنین سرزمینی بهره گرفته و امروزه تبدیل به یکی از پرطرفدارترین سبک‌های موسیقی جهان شده است. روند رو به گسترش فرهنگ فلامنکو مدیون تعدادی از هنرمندان بزرگ کشور اسپانیاست. از جمله آگوستین کاستلنون معروف به سبایکاس که هنر نوازندگی فلامنکو را به شکلی نظام‌مند به جهان و علاقه‌مندان



معرفی کرد و پس از او نوازندگانی چون پاکو دلوسیا، پاکو پنیا، مانوئل سن لوکار و خوان مارتین هر کدام از اروپسای به رتقای استثنادردهای نوازندگی گیتار فلامنکو پرداختند. بعد از این چهار نفر نوازنده، گیتار فلامنکو صاحب نظلمی دقیق جهت آموزش و اجرا شد. دیگر فلامنکو یک موسیقی بدوی و روستایی نبود که تنها در کافه‌های قدیمی یا مزارع یونجه توسط کولی‌ان بد سابقه (خیتانوها) و سیگوئنها) نواخته شود. دیگر نوازندگان گیتار کلاسیک‌نمی‌توانستند از غیر آکادمیک بودن فلامنکو بگویند و آن را حقیر بشمارند. فلامنکو راه خود را در جهت علمی و اصولی‌شدن از هر طرف ادامه داد. کنسرت‌واترهای مادرید، روتردام و بسیار دیگر از مراکز معتبر موسیقی اروپا تدریس موسیقی فلامنکو را آغاز کردند. اما فلامنکو همچنان وجه مردمی خود را با تمام قدرت حفظ کرد و از این ویژگی خود بهره‌اسید. کارلوس ساورا، کارگردان شهیر اسپانیایی در مجموعه آنتولوژی‌های خود درباره فلامنکو و به‌ویژه در فیلمی درخشان به همین نام پس از معرفی سبک‌های مختلف فلامنکو و در یک پایان‌بندی بی‌نظیر دوربین خود را به سمت کودکانه‌ی می‌برد که در حال تمرین رقص اصیل و قدیمی ۱۲ صریبی بولریاس هستند. پهنای واضح برای بینندگان داشت: «این داستان، این فرهنگ و این هنر تا ابد ادامه خواهد داشت.» حرف درستی است و بدون اغراق.

نکته مهم دیگر الهام‌گیری بسیاری از موسیقیدانان آکادمیک اسپانیایی از دستگاه‌های فلامنکو است. مانوئل دفایلد، انریکه گرکاندویس و از دیگران مهم‌تر ایزاک آلبنیز آهنگسازانی بودند که در اوایل قرن بیستم با استفاده از نواهای فلامنکو این موسیقی را به طبقه نخبگان جوامع معرفی کردند. این گسترش همه‌جانبه تمامی سطوح جامعه را در بر می‌گرفت. در این بین گروه‌هایی چون جیپسی کینگز با تلفیق بخشی رتمیک و شاد موسیقی فلامنکو با موسیقی پاپ راه را برای جذب حداکثری مخاطبان جهانی هموارتر کردند. مبنای اصلی موسیقی زیبای این گروه شعرهای عاشقانه و بهره‌گیری از ریتم «روما» و هم‌خانواده‌های آن و نیز همنواری دسته‌جمعی گیتاریست‌هاست. استفاده از گیتارپاس و سازهای کوبه‌ای و پالماس (دست زدن سنتی فلامنکو) به رنگ‌آمیزی و شادایی قطعات جیپسیسی کینگز می‌افزاید. موسیقی فلامنکو در عرض این چند صدسال ثابت کرده هرچه یک هنر درهای خود را گشودتر کند درصد بقای خود و نیز گسترش‌اش را بالا برده است. آیا روزی درهای موسیقی ایران نیز به روی دیگران گشوده خواهد شد؟



پرویز براتی

کولی‌های «مونت پلپه» و «آرلس» در جنوب فرانسه در ابتدا اعتنایی به نوای گیتار آن‌ها نمی‌کردند. گیتارنوازی‌شان البته خالی از اشتباه نبود و گاه ریشخند کولی‌ها بر می‌انگیخت؛ ولی «سلاطین کولی» که بعد‌ها نام «جیپسی کینگ» (Gipsy kings) را برای گروه خود برگزیدند، بی‌اعتنا به سرزنش‌ها و ریشخند‌ها، نواوری پیشه کردند. آن‌ها چند برادر، پسرعمو و پسردادایی بودند که پدران‌شان سال‌ها قایل از مناطق شمال شرقی اسپانیا به فرانسه کوچ کرده بودند. سلاطین کولی، که از دو خانواده «ریز» و «بالاردو» بودند، اوایل کار در خیابان‌ها، کلپ‌ها و سواحل دریا برای ثروتمندان به اجرای برنامه می‌پرداختند. گروه جیپسی کینگ، بعد از سال‌ها هنرنمایی، در اواخر دهه ۸۰ صدای سازوآواز خود را به گوش شنوندگان سراسر اروپا و آمریکا رساندند. این گروه با انتشار آلبوم «جیپسی کینگز» در سال ۱۹۸۸ به شهرتی قابل توجه دست یافت. در سال ۱۹۸۹ اولین آلبوم خود را در ایالات متحده منتشر کردند که برای ۴۰ هفته متوالی در صدر پر فروش‌ها بود، اقبال عمومی به این گروه بعد از آن بالا و بالاتر گرفت و طی این سال‌ها قطعات و آلبوم‌های این گروه در ایران هم با استقبال مناسبی روبه‌رو شد. خواننده اصلی این گروه در حال حاضر، «جیکولاس ریز» است که صدایی خشن‌دار و جذاب دارد. برادر بزرگ‌تر او، پل، در اغلب اجراها با نیکولاس همخوانی می‌کند. فرانسیس، آندره و پاچای دیگر اعضای خانواده ریز هستند. دیگو، پاکو و تونیو بالاردو، سه عضو دیگر «جیپسی کینگز»‌اند. گروه «جیپسی کینگز» هم‌اکنون در جنوب فرانسه ساکن هستند. با اینکه کولی‌های دیروز، امروز با اتومبیل‌های مجلل و هواپیمای شخصی سفر می‌کنند، اما همچنان خود را «کولی» می‌دانند و حتی‌المقدور اوقات خود را در مواقع غیر از سفر در کاروان‌ها سپری می‌کنند. بعد از ارسال درخواست گفت‌وگو با این گروه از طریق ای‌میل، توافق‌های اولیه با «میشل کرویل» مسؤول ارتباط با رسانه‌های گروه انجام شد و نهایتاً بعد از چند بار رد و بدل کردن سرف و جواب‌ها، گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید، شکل گرفت.

■ ■ ■

■ نوازندگان و موسیقیدانان محافظه‌کار معتقدند موسیقی گروه جیپسی کینگز، ملغمه‌ای از فلامنکو ی اسپانیایی، داستان‌گویی رومانیایی با یک لهجه اندلسی است. خاستگاه این پر‌خود، یک نگاه سنتی است؛ با این حال می‌خواهیم واکنش‌تان را نسبت به این طرز تلقی بدانیم.

ما خودمان در برابر سوال‌های بی‌شمار قرار نمی‌دهیم،

کارمان نوازندگی و اجرای موسیقی است؛ آن هم موسیقی‌ای که از نیاکان‌مان آموخته‌ایم. البته این نوع موسیقی به شکلی سنتی عمدتاً با ساز گیتار در ترکیب با اصوات و پالماس (کف زدن) اجرا می‌شود و ما تعدادی ساز مرتبط با موسیقی پاپ مثل درامز و کیبورد به آن اضافه می‌کنیم. با تمام این‌ها، باید بگوییم در زمانه خود زندگی می‌کنیم و ریشه در اکنون داریم.

■ از این نظر، اعتقادی به ترکیبی بودن موسیقی خود ندارید؟

اگر کسی احساس کند موسیقی ما آن چیزی است که شما توصیف کردید، ما مشکلی نداریم و به او می‌گوییم تو درست می‌گویی! اما باید به شما یادآوری کنیم که تمام تلاش‌مان بر این است تا موسیقی مختص خودمان را بنوازیم، این موسیقی همان چیزی است که مردم از ما انتظار دارند. موسیقی ما در سادگی خلاصه می‌شود. شما در آن شاهد همنوایی سازهای گیتار با اصوات هستید.

■ آیا شما خاستگاه اندلسی موسیقی‌تان را انکار می‌کنید؟

ابتدا در واقع سبک موسیقی ما «رومیا کاتالان» نام دارد که نام یک سبک قدیمی موسیقی مربوط به کولی‌های کاتالان در دهه ۵۰ میلادی است. اعضای اولیه گروه ما از دو خانواده ریز (Reyes) و بالاردو (Baliardo) بودند که از شمال‌شرق اسپانیا به فرانسه کوچ کردند. ما در «مونت‌پلپه» و «آرنو» ای فرانسه زندگی فقیرانه و کولی‌واری داشتیم که به مرور بهتر و بهتر شد. در پاسخ به سوال‌تان باید بگوییم برای خود خاستگاه مزوج از فرهنگ و زبان اسپانیایی، فرانسوی و رومانیایی قایل هستیم.

■ آیا موسیقی شما «فلامنکو» (Flamenco) است؟ نه صددرصد. در ابتدای گفت‌وگو به این اشاره کردیم که موسیقی ما برای مردم است. حتماً می‌دانید که «فلامنکو» در جنوب اسپانیا ترکیبی از یک آوازخوان و یک رقصنده است. مردم در آنجا تنها شاهد اجرای موسیقی‌ای هستند که از جایگاه، دیده و شنیده می‌شود. موسیقی ما اما یک «پرفورمنس» و اجراست. نمی‌گذاریم مخاطب ساکت بماند. «لذت حضور» را به مخاطب می‌چشانیم و ریتم‌هایمان سریع‌اند.

■ پس در واقع موسیقی شما، نوعی موسیقی «شبه‌فلامنکو» است...

شاید. ما در واقع از موسیقی فلامنکو و خصوصاً از تکنیک‌های آن بهره می‌گیریم.

■ آیا قبول دارید موسیقی گروه شما بر محور خواننده می‌چرخد؟

هیچ‌کدام‌ان از جحیتی نسبت به بقیه اعضای گروه قایل نیستیم

■ ترکیب امروز گروه «جیپسی کینگ»، شامل اعضای دو خانواده «ریز» و «بالاردو» است. چه شد که چیکو

موسیقی



گفت‌وگوی «شرق» با گروه موسیقی «جیپسی کینگز»

سلاطین کولی در آرزوی سرزمین پارس

عکس:Pixar/Disney

فرهنگ پروری، هواخواه داشته باشد.

■ میزان شناخت‌تان از فرهنگ و تمدن ایرانی چقدر است؟

اگر بخوایم صادقانه اظهار نظر کنیم، از آنجا که هیچ‌موقع در ایران نبوده‌ایم، اطلاعات زیادی از این کشور نداریم. ما هر گاه برای برپایی کنسرت به شهر و کشوری سفر می‌کنیم، سعی می‌کنیم در کنار اجرای موسیقی، جاذبه‌های آن خطه را هم کشف کرده و از آن لذت ببریم. در طی تورهای متعدد موسیقی‌مان البته با ایرانیان زیادی از نزدیک روبه‌رو شده‌ایم و آن‌ها را ملاقات کرده‌ایم. آن‌ها چیزهای زیادی از ایران برایمان تعریف کرده‌اند. گفت‌اند ایران کشوری زیباست با تاریخی پر عظمت. برایمان تعریف کرده‌اند ایران کشوری است که موسیقی در آن برای مردم از اهمیت زیادی برخوردار است.

■ چه بعدی از کشور ایران برایتان جالب است؟ ترجیح می‌دهیم به‌عاز سفر به این کشور پاسخ شما را بدهیم.

■ درباره ایرانیانی که به موسیقی تان گوش می‌سپارند چه نظری دارید؟

موسیقی ما ساده است و انسان‌ها را شاد و خوشحال می‌کند. در کنسرت‌های ما خانواده‌ها و کودکان شاد می‌شوند. اجراهایمان چنان جشنی است پرسشغ، بنابراین چه تفاوتی میان ایرانیان با دیگر ملت‌هاست؟

در سراسر جهان مردمان خواهان اندکی شادی و لذت هستند و طبیعتاً ایرانیان در این شادی، سهیم‌اند.

■ آیا با موسیقیدانان ایرانی آشنایی دارید؟ آشنایی زیادی نداریم اما به برخی قطعات ایرانی گوش سپرده‌ایم و از این بابت با این موسیقی چندان بیگانه نیستیم. در واقع از موسیقی ایرانی خاطره داریم اما این خاطره به گونه‌ای نیست که اشاره‌ای به قطعه و آهنگ خاصی داشته باشد.

■ آیا هیچ‌گاه تصمیم به همکاری با موسیقیدانان ایرانی نگرفته‌اید؟ چرا که نه! ما آماده هر گونه همکاری با موسیقیدانان ایرانی هستیم

■ آینده موسیقی «رومیا فلامنکو» را چطور می‌بینید؟ موسیقی برای همیشه بخشی از زندگی مردم خواهد بود. ما «کولی»‌هایی هستیم که زمان را درنوردیده‌ایم و سرزمین‌های بسیاری را زیر پا گذاشته‌ایم. مطمئن باشید همدل، همزبان و همفکر، برای یک موسیقیدان خلاق، می‌تواند قطعه‌ای از بازاری باشد که با تکمیل آن به یک سرزمین پارس».

■ آینده گروه «جیپسی کینگ» را چطور می‌بینید؟ معرّفی‌فاند که در ایران؟ ما فرزنان‌مان را دوست داریم و امیدواریم روزی آن‌ها همان کاری را انجام دهند که ما کردیم: «انتقال و عرضه موسیقی مردمی به جهانیان.»

را دریافت کردیم و بعد از بررسی طرح‌ها دست به گزینش بهترین‌ها زدیم. کتاب جان کیچ بسیار دیرفهم و پیچیده و سرشار از فرمول‌های ریاضی و الگوریتم‌هاست؛ همین امر باعث شد تا تصمیم بگیریم که اگر طرح‌های پیشنهادی به ایده کلی مورد نظر کیچ نزدیک باشند پذیرفته شوند. یعنی درک ایده کیچ در این کتاب مبنای گزینش ما بود. به این ترتیب ۱۲ طرح برای این پروژه برگزیده شد که مجموعاً ۱۸ هنرمند به اجرای آن‌ها می‌پردازند.» به گفته راد استقبال مخاطبان از این پروژه بسیار مطلوب و گاه غیرقابل پیش‌بینی بوده است. این پروژه توانسته است نظر بنیاد جان کیچ (کیچ تراست) را نیز به خود جلب کند و به این ترتیب نام گاری لیست پروژه «کیچ پیش می‌آید» در فهرست رویدادهای بنیاد مذکور ثبت شده است. در برنامه‌های چندین روزه گالری ایست سخنرانی نادر شناخی آهنگساز مدرن ایرانی جلب توجه می‌کند و بر اعتبار چنین برنامه‌ای خواهد افزود. از نکته‌های جالب‌توجه این پروژه حضور یک هنرجوی جوان ۱۹ساله است. علاقه‌مندان برای دیدن این پروژه که هر روز از ساعت ۱۸:۳۰ تا ۲۰ برقرار است، می‌توانند به آدرس: میدان ونک، خیابان شهید خدایی، پلاک ۴۰ مراجعه کنند. این برنامه تا ۳۰ تیر ماه ادامه خواهد داشت.

به بهانه بزرگداشت «جان کیچ» در گالری «ایست»

اتفاقی برای یک اتفاق

که با طراحی و مدیریت امیر راد و پویا احصایی تا اواخر تیر ماه سال جاری ادامه خواهد داشت.

«امیر راد» در زمینه نحوه آغاز و چگونگی مدیریت پروژه می‌گوید: «پده این پروژه توسط پویا احصایی به من پیشنهاد شد. ما حدود یک سال روی جزئیات آن کار کردیم و به یک جمع‌بندی منسجم رسیدیم.» وی در زمینه اجرای پرفورمنس در برنامه‌ای برای بزرگداشت کیچ می‌گوید: «جان کیچ نقشی کلیدی و چهره مهمی در هنر پرفورمنس محسوب می‌شود. در ایران همگان کیچ را به عنوان موسیقیدان می‌شناسند اما وی ایده‌های بسیار مهمی در زمینه هنرهای اجرایی دارد. به همین دلیل تصمیم گرفتیم که متنی از جان کیچ را به عنوان محور کار انتخاب کنیم که بیشتر برای حرکت، موسیقی و صدا نوشته شده به نام کتاب آواز‌ها.» وی در زمینه نحوه گزینش هنرمندان برای این پروژه افزود: «پس از فراخوان، ۴۶ طرح

و نوشتار شد حال با هنرمند و اندیشمندی روبه‌رو بودیم که هم به حرکت می‌اندیشید، هم به موسیقی و هم به شعر. رویداد، اتفاقات، حضور ناخواسته پدیده‌ها، غیرقابل کنترل بود. حوادث پس از این دوره وارد آثار کیچ شد و در نهایت کار را به واریاسیون‌هایی رساند که تماماً بر مبنای «پیش‌آمد» و کنش‌های محیط و طبیعت بود. راه و روش کیچ توسط تعدادی از دوستان و همکارانش از جمله کریستین ولف، دیوید تودور و از همه مهم‌تر مورتن فیلمن ادامه یافت. سادگی و در عین حال پیچیدگی آثار و ایده‌های کیچ باعث شد تا گروهی مختلف آوانگارد در سراسر دنیا حداقل یکبار به تجربه کردنش بپردازند. این روزها در ایران نام جان کیچ به دلیل نزدیک شدن به صد سالگی وی در شهرپور ماه، زیاد شنیده می‌شود. در اقدامی جالب‌توجه گالری «ایست» برنامه و پروژه‌ای را در این زمینه ترتیب داده است. «جان کیچ پیش می‌آید» نام پروژه‌ای است

قفسه آهنگ

نگاهی به آلبوم «طغیان»

تحولی نوین در آثار هنرمندان جوان

سجاد پورقناد



■ بالاخره پس از گذشت حدود دو سال از تولید آلبوم «طغیان»، این اثر وارد بازار شد. طغیان سومین آلبوم میدیا فرج‌نژاد آهنگساز و نوازنده تار و سهار است(۱) که بخش اعظم این آلبوم را دنوازی‌های او با تنبک کلرمان منتظری تشکیل می‌دهد و تنها سه ترک آخر این آلبوم همراه با صدای خواننده و شاعر است. بررسی فنی این آلبوم در یک مقاله روزنامه‌ای نمی‌گنجد ولی تا حد امکان سعی می‌کنیم نگاهی داشته باشیم به این اثر که چند روزی بیشتر از رونمایی آن نمی‌گذرد. در آلبوم «طغیان» چهار هنرمند به نقش آفرینی می‌پردازند که به دلیل نقش مهم هر سه این هنرمندان در تولید این اثر، لازم است به صورت مجزا به هر کدام آن‌ها بپردازیم.

کلرمان منتظری از نوازندگانی است که به سرعت طی کمتر از نیم‌دهه به شهرت رسید. تکنیک نوازندگی و تنوع رنگ صوتی کلرمان منتظری از مهم‌ترین عواملی است که او را به عنوان یکی از برترین چهره‌های موسیقی کوبه‌ای ایران امروز مطرح کرده است. در بخش‌هایی از آلبوم «طغیان»، صدایگری‌هایی از تنبک شنیده می‌شود که حتی شنونده حرف‌های موسیقی ایرانی محال است بتواند متوجه شود، این صدا از تنبک تولید شده! کلرمان منتظری را می‌توان از معدود نوازندگان تنبکی دانست که راه انفعال را در همراهی ریتمیک در پیش نمی‌گیرند و با به پای موسیقی پیش می‌روند و با تمام افت و خیزهای آن، هوشیارانه، بهترین‌ها را برمی‌گزینند.

حسین علیشاپور

امروز دیگر حسین علیشاپور یک خواننده شناخته‌شده است. سبک منحصر‌به‌فرد وی در خوانش شعر، استفاده از تکنیک‌های آوازی، بهره‌گیری از تکنیک‌های فراموش‌شده آواز قدما و... پارامترهایی است که امروز فقط در آواز او به خوبی شنیده می‌شود. حسین علیشاپور سال‌هاست می‌خواند و کنسرت می‌دهد ولی شاید سه سال است که او شیوه منحصر‌به‌فرد خود را یافته و از یک آوازخوان سنتی به آوازخوانی چندوجهی تبدیل شده است. آوازخوانی علیشاپور در ترک «هنوز آرزوها نفس می‌زند» در آلبوم «طغیان»، اثری یگانه از اوست که راده به هم پیوستن دو منظر مختلف به موسیقی نوین ایرانی شده است؛ شاید این آواز نمونه خوبی باشد از توانایی آواز ایرانی، برای خوانندگان منفعلی که با روش‌های سنتی اشعار بزرگ معاصر، همچون شفیع کدکنی را مانند شعر ردکی می‌خوانند، با این فرض که ظرفیت آواز ایرانی همین است! جذا از بخش



آواز این آلبوم، علیشاپور در بخش‌هایی از تصنیف هم با تغییرهای خاصی در شیوه خود و همین‌طور استفاده از تکنیکی شبیه به ریسیتایو در آواز کلاسیک، نشان می‌دهد که می‌تواند ساختار شکن بود ولی از چارچوب موسیقی کلاسیک خارج نشد؛ چنان که افرادی مانند شجریان و ناظری در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ چنین توانایی‌هایی را بروز دادند و آثار ماندگاری را تولید کردند.

امیر مرزبان

در آلبوم «طغیان»، تاکید زیادی نیز بر نقش شاعر شده. امیر مرزبان شاعر جوانی است که همراه و مهم‌تر از آن همدل این گروه بوده و شعری از خود را به نام «طغیان» می‌خواند که کلید فهم جلد این آلبوم و مانیفست این اثر نیز هست. روی جلد اسن آلبوم، تصویر تیرهای از سه موسیقیدان این آلبوم را می‌بینیم که در فضایی که یادآور «مستان» اخوان است، شهر پرود و و بیاور و با درخشان خشک و پژمرداش ترک می‌کنند... همراهی یک شاعر همدل، همزبان و همفکر، برای یک موسیقیدان خلاق، می‌تواند قطعه‌ای از بازاری باشد که با تکمیل آن به یک اثر ناب دست می‌یابیم.

میدیا فرج‌نژاد

نام او اول با انتشار سه تصنیف در وب‌سایت شخصی‌اش بر سر زبان‌ها افتاد و در همان سال ۸۸ بود که آلبومی به نام «شرح پریشانی» منتشر کرد و توانایی‌های خود را در زمینه آهنگسازی بیش از پیش به معرض نمایش گذاشت. فرج‌نژاد پس از «شرح پریشانی»، در سال ۱۳۹۰ «راه بی‌نهایت» را با حسام‌الدین سراج به انتشار رساند. بررسی موسیقی میدیا فرج‌نژاد در آلبوم «طغیان»، مستلزم نگاهی دقیق اول به نوازندگی و دوم آهنگسازی اوست. در بخش اعظم این آلبوم که نوازندگی فرج‌نژاد را می‌شنوم، تکنیک‌های خاص نوازندگی او به همراه رد پایی از استادان گذشته مخصوصاً حسین علیزاده و محسن نفر شنیده می‌شود. تاثیر تکنیک‌های سازی و تکنیک‌های آهنگسازی در خروجی اثر، نقشی برابر دارند و کمتر قابل تفکیک هستند. البته در تمام قطعات، سعی آهنگساز برای تغییر روند سنتی ملودی‌پردازی موفقیت‌آمیز نیست و بعضی از قطعات، به باری باربتم‌های پیچیده و حرکت‌های تکنیکی صرف تبدیل می‌شود؛ خصوصیتی که در آثار میدیا فرج‌نژاد به گواه آثار ضبط‌شده او، از هم‌نسلاش بسپار کمتر است و موفقیتش در این زمینه او را به یکی از معدود آهنگسازان جوان موفق تبدیل کرده است. در بخش آهنگسازی جا دارد به تصنیف «عشق غم» پرداخته شود که با الهام از تصنیف «شیدایی» آهنگساز معاصر زندیاد پرویز مشکاتیان ساخته شده است.

ادامه در صفحه ۱۲